

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.

تحلیل کیفی «ناسزاگویی در خرده فرهنگ جوانان»: عادت واره یا پدیده‌ای بازدارنده در برابر توسعه اجتماعی-فرهنگی

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/JEDS.2021.45615.1516 <https://sociology.tabrizu.ac.ir>

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

مریم ضمیری بلسبینه^۱

نادر افقی*^۲

فریدین علیخواه^۳

چکیده

موضوع مقاله حاضر، ناسزاگویی، بدزبانی و افزایش خشونت در گفتار است. در فرایند توسعه اجتماعی-فرهنگی، همزمان با تغییر و دگرگونی، ناسازگاری اخلاقی در سطح عمومی جامعه، یکی از شیوه‌هایی است که افراد از طریق آن می‌توانند مخالفت خود را با ساختار اجتماعی نشان دهند. بررسی بهنجار شدن ناسزاگویی و بدزبانی در خرده فرهنگ جوانان به مثابه عادت واره، هدف اصلی این مقاله است. سوال اصلی مقاله این است که چه عواملی موجب شکل‌گیری و رواج پدیده ناسزاگویی در جوانان می‌گردند؟ اهمیت فراوان خشونت و پرخاشگری، با تاکید بر لایه‌های زیرین خشونت، بویژه ناسزاگویی و افزایش خشونت در گفتار، مورد توجه و مطالعه اندیشمندان و علمای حوزه‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات فرهنگی و ... قرار گرفته است. نویسندگان در این مقاله، ضمن مروری بر فضای مفهومی موضوع و نظریه‌های مرتبط با آن، دیدگاه‌های بوردیو (با تاکید بر سرمایه فرهنگی، میدان و عادت واره) و فیسک را مورد توجه قرار داده‌اند. داده‌های این مطالعه به روش کیفی و با روش نمونه‌گیری گلوله برفی و تکیه بر (۱۱ مورد) مصاحبه عمیق، جمع‌آوری گردید. نتایج حاکی از آن است که، در خرده فرهنگ جوانان، ناسزاگویی، بیشتر برای سرگرمی و قلدری ناشی از بیکاری، آزاد کردن انرژی‌های سرکوب شده و عدم امکانات مناسب برای به کارگیری آنها، و عواملی که خود، برگرفته از وضعیت نامناسب خانواده‌ها با توجه به میزان تاثیرپذیری از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوانان است، شکل گرفته‌اند، در فرد درونی شده و به جامعه باز گردانده می‌شوند و نهایتاً به عنوان نیروی بازدارنده در برابر توسعه اجتماعی-فرهنگی، عمل می‌نمایند.

واژگان کلیدی: ناسزاگویی، جوانان، توسعه اجتماعی-فرهنگی، لذت، عادت واره، سرمایه، میدان.

۱. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. m.zamiri1360@gmail.com
۲. استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، ایران n_ofoghi@guilan.ac.ir
۳. استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، ایران faralikhah@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

امروزه تمرکز بر موضوعات و مسائل جوانان در جامعه ما می‌تواند نشان دهنده اهمیت و وقوع تحولاتی در قلمرو واقعیت و هنجارهای اجتماعی تلقی گردد که به نوعی در ارتباط با جوانان تعریف شده‌اند. به دیگر سخن، در گذران دوران جوانی، دگرگونی‌های مهمی در نحوه نگرش و تفکر جوانان نسبت به خویش رخ می‌دهد. این دگرگونی‌ها در زمینه‌های مختلف زندگی فردی تأثیرگذار بوده و در بستر اجتماعی افراد نفوذ کرده است. به نظر می‌رسد یکی از این اثرات در گفتار و محاوره‌های روزمره و تمایل به بدزبانی به مثابه یک خرده فرهنگ خاص باشد. این خرده فرهنگ خاص که به دنبال یک سبک زندگی متناوب و حتی تحولاتی در آگاهی است، نشان‌دهنده اعتراض به فرهنگ و نظام‌های اجتماعی است و در قالب قدرت و مقاومت خود را نشان می‌دهد. این فرهنگ ریشه در خرده فرهنگ جوانان دهه ۱۹۶۰ مانند پانک‌ها، گات‌ها و راکرها، به‌عنوان سه خرده فرهنگ ویژه جوانان دارد. این گروه از افراد از زبان برای ساختن خودها و هویت‌های خود استفاده می‌کردند و معانی عضویت در گروه خرده فرهنگی را مورد چانه‌زنی قرار می‌دادند (دزموند، ۲۰۰۰). در چنین سطحی ناسزاگویی بخشی از مقاومت خرده فرهنگی جوانان محسوب می‌شود که با استفاده از زبان، عناصری از فرهنگ رسمی را مورد بی‌اعتنایی و یا دهن کجی قرار می‌دهند. فرهنگ را باید چنان فرآیندهای اجتماعی زاده منافع دانست که انواع مشخص و متفاوتی از سبک‌های کلی زندگی را به وجود می‌آورند، مقاومت نموده‌های فرهنگی فراوانی دارد، عمل و معنای مقاومت در دل فرهنگ جای دارد. مقاومت از سبک‌های کلی و مشخص زندگی برمی‌خیزد و در عین حال سازنده آن‌هاست (گیلز، ۲۰۰۰). مقاومت مفهومی هنجاری است که با موفقیت و به‌صورت استراتژیک در مقابل معیار هنجاری اندازه‌گیری می‌شود، مقاومت، کیفیت کنش نیست، بلکه مقوله‌ای برای داوری درباره کنش است (بارکر و کرین، ۱۳۹۱: ۷۲۴-۷۲۵). جوانان بیش از هر گروه اجتماعی دیگری از این فرایند تأثیر می‌پذیرند. گروهی که وجه مشخصه آن‌ها باورها، ارزش‌ها و هنجارهای خاص در مقابل فرهنگ مسلط یا نظم اجتماعی حاکم است و این ویژگی‌ها خود را در سبک، ذائقه، کنش و گفتار نشان می‌دهد (شهبابی، ۱۳۸۲: ۶). رفتار جوانان به‌عنوان کنشگران فعال حوزه عمومی از مسائلی است که در فرهنگ عمومی واجد اهمیت است. نوجوانان و جوانان در خانه بیشتر وقت خود را صرف استفاده از شبکه‌های مجازی می‌کنند و فرصت گفتگوی متقابل در میان اعضای خانواده بسیار کم و محدود شده است. مرز بین دنیای مجازی و دنیای واقعی برای این نوجوانان و جوانان بسیار باریک و گاه مبهم شده و تشخیص نقش‌های این افراد در دنیای مجازی با نقش آنان در دنیای

-
1. Desmond
 2. Gills
 3. Barker&Creen

واقعی به نسبت گذشته دشوارتر شده و در بسیاری از مواقع این نوجوان و جوان همان لحن و گفتار در فضای شبکه‌های اجتماعی و یا بازی‌های مجازی را بلافاصله در دنیای واقعی نیز بکار می‌برد و به نظر می‌رسد که این مسئله قدرت تشخیص نوجوان و جوان را دچار تزلزل کرده است و خود به عنوان عاملی بازدارنده در برابر توسعه اجتماعی-فرهنگی، قد علم می‌نماید.

در چنین شرایطی توجه به واقعیت اجتماعی جوانان و سیال بودن بستر ذهنی فعالیت آنان به عنوان بخشی از تلاش عمومی برای درک پدیده‌های پر نفوذ و جریان‌های جاری در جامعه ایران است. جوانان به مثابه یک گروه اجتماعی و به دلیل برخورداری از روحیه نوخواهی، گرایش به متفاوت بودن دارند و به همین دلیل بیشتر مخاطب ارزش‌ها و الگوهای هنجاری جدید قرار می‌گیرند، اما از سوی دیگر، به آنان به عنوان عاملان ایجاد مسائل اجتماعی نیز نگریسته می‌شود (افشار کهن، ۱۳۸۸). از آنجایی که مولفه‌های اجتماعی، گسترده‌ترین مولفه‌ها در توسعه هستند، به نظر می‌رسد این وسعت و گستردگی در برخی از موارد باعث کم توجهی به آن‌ها و کارکردشان در جامعه می‌شود. از جمله شکاف‌های علمی موجود در مطالعات اجتماعی، می‌توان به مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی زندگی روزمره به معنای تحلیل کنش‌های اجتماعی تکرار شونده و ارتباط آنها با فرآیند توسعه اجتماعی اشاره نمود. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد بررسی جامعه‌شناختی افزایش ناسزاگویی و بدزبانی به‌عنوان یکی از مصادیق کنش‌های تکرار شونده در میان اقشار مختلف اجتماعی به‌ویژه جوانان است و کوشش می‌نماید، به این سؤالات پاسخ دهد که چه عواملی در شکل‌گیری و رواج ناسزاگویی در جوانان موثرند؟ آیا با وجود ناسزاگویی در گفتار می‌توان آن را به‌عنوان یک‌خرده فرهنگ متمایز به شمار آورد؟ آیا این پدیده خود به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر توسعه اجتماعی عمل می‌نماید؟

پیشینه‌ی موضوع

کیخا و شجاع‌الدینی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل ناسزاگویی در بین دانش‌آموزان» با هدف شناسایی عوامل پدیدآورنده‌ی ناسزاگویی و راه‌های رفع آن به این نتیجه رسیدند که انواع خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان با یکدیگر و دانش‌آموزان با معلمان شایع است و عوامل مختلف خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی می‌تواند زمینه ساز بروز ناسزاگویی باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش آنان پیشنهاد شد که برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان، جهت کاهش خشونت کلامی در مدارس تدارک و فراهم گردد. عبداللهی نژاد و مجلسی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش «خشونت کلامی در فضای مجازی» به مطالعه پدیده خشونت کلامی در صفحات مجازی پربازدید در اینستاگرام پرداخته‌اند. آنان نهایتاً تعداد ۹ مضمون فراگیر با عناوین زندگی شخصی، جایگاه و مقام حرفه‌ای هنرمند، آسایش و رفاه، جنسی، جنسیت، سیاست، مذهب، قومیت و اصل و نسب و دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی را کشف نمودند.

آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که این مضامین نه گانه به مرور به اهرم‌های فشار و تخریب و راهی برای خود نمایی تبدیل می‌شوند.

کالورت^۱ (۱۹۹۷) در «گفتار نفرت‌آمیز و مضرات آن» نشان داد که سخنان نژادپرستانه می‌تواند باعث تغییرات جسمی و روحی در دریافت‌کننده پیام شود. استفاده مکرر از این عبارات علت و تقویت‌کننده تبعیت اقلیت‌ها از آن‌ها می‌شود. تبعیض نژادی از طریق (سخنان نفرت‌آمیز) در جامعه احساس حقارت ایجاد می‌کند که به سختی خنثی می‌شود.

لین کووآ^۲ (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان «گفتار نفرت‌آمیز در بالکان» بیان می‌کند که سخنان نفرت‌آمیز در یک لحظه در روند شکل‌گیری هویت و شدت آن بسته به تاریخ متفاوت است، موقعیت سیاسی و اقتصادی شرایطی را فراهم می‌کند که یک ملت آماده انفجار در برابر دیگران به سازمان‌دهی (بیشتر یا کمتر) برسند. لیلیان^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «خار با هر نام دیگری: گفتمان جنسیتی به‌عنوان بیان نفرت»، برخلاف مقالات دیگر که تأکیدشان بر گفتارهای تنفرآمیز نژادپرستانه است، از طریق گفتمان جنسیتی و با تأکید بر نظریه فمینیستی به بررسی سخنان نفرت‌آمیز پرداخته است. به نظر وی از آنجاکه جامعه به دو گروه زن و مرد تقسیم می‌شود، این تقسیم‌بندی بازتولید دوگانگی و تداوم چالش‌های جنسیتی و شکل‌گیری گفتمان جنسیتی بر اساس سخنان نفرت‌آمیز است.

چوون^۴ و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «گفتار نفرت‌آمیز در رسانه» با تأکید بر سخنان نفرت‌آمیز در رسانه و بخصوص در بحث‌های رادیویی نشان دادند که استفاده سامانمند و گسترده از حقایق نادرست و تحریف‌شده، استدلال ناقص، زبان تفرقه‌انداز و استعاره‌های غیرانسانی در تحریف هویت ملی نقش دارد. ولکووا^۵ و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله «سخنان نفرت‌آمیز و رسانه»، به این نتیجه رسیده‌اند که سخنان نفرت‌آمیزی که از طریق رسانه بیان می‌شود به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان تمایز و طرد در شکل‌گیری هویت ملی نقش دارند در این میان سخنان نفرت‌آمیز، دشنام و بددهنی در ساختار و افتراق، پیوستگی و محرومیت در کلیشه‌های ملی، مذهبی و زبانی قابل مشاهده هستند.

در جمع‌بندی پیشینه‌های موضوع این مقاله می‌توان به این نکته اشاره نمود که پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، پیرامون موضوع خشونت زیاد می‌باشند ولی پژوهش‌هایی که به بررسی عوامل ناسزاگویی در بین جوانان پرداخته باشند، بسیار اندک بوده‌اند. همچنین، تحقیقات انجام

1. Calvert

2. Lenkova

3. Lillian

4. Chon et al.

5. Volkova et al.

گرفته در زمینه خشونت کلامی نیز محدود بوده‌اند. در بخش تحقیقات خارجی باید گفت که پژوهش‌های نسبتاً خوبی در زمینه مورد بررسی انجام شده‌اند؛ و ناسزاگویی را از زوایای مختلف مورد کاوش، قرار داده‌اند.

چهارچوب مفهومی

پدیده خشونت و پرخاشگری، برخلاف تصور رایج، فقط محدود به خشونت و تعرضات فیزیکی و یا بدنی نبوده و دامنه تعریف و وجوه عینی آن لایه‌های گسترده‌تری از رفتارهای انسانی را در برمی‌گیرد و از جمله لایه‌های زیرین خشونت، می‌توان به خشونت کلامی اشاره نمود. در همین زمینه اولوئوس^۱ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که خشونت شامل طیف گسترده‌ای از اعمال عمدی خشن است که علاوه بر خشونت‌های جسمی، روانی، عاطفی، شامل خشونت‌های کلامی نیز است که بر سلامت جسم و روان فرد و درک از خود، تأثیر منفی می‌گذارد (علمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۴-۱۶۳) و دارای مصادیقی چون استفاده از کلمات آزاردهنده، بالا بردن تن و حجم صدا، استفاده از لحن و آهنگ تحقیرآمیز و توهین‌کننده است (قانیان، ۲۰۱۲). در واقع، خشونت کلامی و به‌کارگیری واژه‌های قبیح به گونه فزاینده‌ای در میان اقشار جامعه و بخصوص نوجوانان و جوانان معمول گردیده است. ناسزاگویی و بددهنی تنها منحصر به افراد فحاش نیست بلکه در تعاملات اجتماعی در میان اقشار جامعه رخنه کرده است. به بیان دیگر، واکنش‌های کلامی ضد فرهنگی با بن‌مایه تحقیر در شکل‌های نرم خشونت در جامعه در پرتو توهین و دشنام‌نمایش داده می‌شود. پنج^۲ (۲۰۱۲) عقیده دارد که سخنان نفرت‌آمیز و ناسزاگویی از جمله اهانت، سوءتفاهم، تهدید، انتقادات نابجا و بدگویی‌ها بسیار گسترده بکار گرفته می‌شوند زیرا فرد گوینده تمرکز خود را بر کلماتی می‌گذارد که می‌خواهد به‌طرف مقابلش بگوید تا از این طریق موجب رنجش شخص شود و تحت تأثیر آن منفعل گردد و او را به تنش وادارد. اما از سوی دیگر، افراد با بیان فحش جنسی و ناموسی اوج هیجان خود را نسبت به یک موضوع نشان نمی‌دهند. بلکه تحقیر و غلبه بر دیگری را در نظر دارند. هر چه این فحاشی رکیک‌تر باشد، تحقیر نهفته و ضمنی به‌کار رفته در کلام بیشتر است چون باعث رعب و وحشت بیشتر و عقب‌نشینی بیشتر حریف، واگذاری عرصه به‌طرف فرد هتاک می‌شود. چنین کنش‌های ضد هنجاری می‌توانند ناشی از یاس و ناامیدی، ناکامی و گاهی ناشی از سرگرمی و لذت‌جویی باشند که در اشکال متنوع خشونت (فیزیکی، عاطفی، روانی و کلامی)، تخریب (وندالیسم) و ... نمود می‌یابند (مؤمنی، ۱۳۸۸). در همین زمینه کوهن^۴ عقیده دارد ناهنجاری‌هایی که منشأ بیشتر رفتارهای جامعه

1. Olweus
2. Ghanaea
3. Benesch
4. Cohen

هستند، ناشی از عدم دسترسی به اهداف موردقبول جامعه است. ناهنجاری‌های اجتماعی به طبقات و پایگاه اجتماعی هنجارشکنان مربوط می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۳۳). دلالت‌های جامعه‌شناختی، ناسزاگویی را به‌عنوان یک کنش ضد هنجار، در ساختار فیزیکی و فرهنگی جامعه جستجو می‌کند چرا که امروزه به دلایل فرهنگی، خشونت فیزیکی کمتر از گذشته به چشم می‌خورد اما خشونت‌های کلامی همواره در ساختار فرهنگی جامعه پنهان مانده و قربانیان زیادی می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۶؛ به نقل از کریمی، ۱۳۹۰) و حتی در بین برخی از اقشار و طبقات جامعه به‌صورت یک فرهنگ درمی‌آید، گویی ناسزاگویی، نه‌تنها امری ارزشی به‌حساب می‌آید بلکه چاشنی گفتگو نیز قلمداد می‌شود. در این رابطه کارستد و فارل^۱ (۲۰۰۶) در نظریه خود با نام «رفتارهای مشکوک اخلاقی^۲»، بر رفتارهای ضد هنجار اجتماعی در زندگی روزمره متمرکز شدند و عقیده دارند که عامل اصلی تعیین‌کننده رفتارها و گفتارهای ضد هنجاری در اجتماع در زندگی روزمره، سندرم بی‌هنجاری سیستم است (به نقل از استیون و همکاران^۳، ۱۳۹۲: ۱۷۹). بدین ترتیب به نظر می‌رسد که ناسزاگویی با رگه‌های توأمان «خشونت و صمیمیت» همراه بوده و ممکن است در اشکال جمعی آن یعنی در سطح ارتباطات سیاسی دال بر مقاومت باشد؛ مثلاً در میان گروه دوستان و خودی‌ها ناسزاگویی حاکی از صمیمیت باشد. بدین توضیح که ناسزاگویی جای سلام کردن را گرفته است و در میان دوستان صمیمی رواج دارد. در چنین زمینه‌ای فحش و ناسزا بدون ایجاد احساس رنجش به کار می‌رود. همچنین در ارتباطات بین فرهنگی و در برخورد با غیرخودی‌ها یا غریبه‌ها، ناسزاگویی مصداق خشونت (کلامی) است که حتی می‌تواند مقدمه خشونت فیزیکی واقع شود.

از دیدگاه مطالعات فرهنگی، عنصر ضد فرهنگ ناسزا و خشونت کلامی که صورت و شکل کنایه‌آمیز و تحقیرآمیز به خود می‌گیرد، به‌عنوان ابزاری استفاده می‌شود تا به فرهنگ مسلط، مرام، عقیده، دین، زبان (گوش)، قیافه، سلیقه افراد حمله کند که در این میان فرد دشنام‌دهنده در پی تضعیف شخص مقابل و سلطه نظر یا نمایش اتوریته خود است؛ زیرا زمانی که سخن از فرهنگ می‌شود، منظور تمام الگوهای قابل تشخیص فکری و رفتاری بر پایه اعتقادات، ارزش‌ها، عادت‌ها و رسوم است که تحت تأثیر عواملی به وجود می‌آید و به‌نوبه خود بر پدیده‌های دیگر تأثیر می‌گذارد. سبک زندگی، تجربیات عاطفی، بیان اندیشه‌ها و واکنش فرد نسبت به پدیده‌ها و افراد به محیط فرهنگی او بستگی دارد. به همین دلیل از میان عوامل مختلفی که بر مقاومت در مقابل تغییر تأثیر می‌گذارد، فرهنگ یک عامل قابل‌توجه است (میرکمالی، ۱۳۶۹: ۷۶) جوانی به‌عنوان نمادی فرهنگی در قالب سنی و ... توسط ساختار فرهنگی و در جریان روابط اجتماعی

1. Karstedt&Farrell
2. Suspicious behaviors
3. Steven F. et al.

ساخته می‌شود (ذکایی، ۱۳۹۰) و علاوه بر فرهنگ حاکم، خرده‌فرهنگ‌ها، پاسخ جوانان به موقعیت طبقاتی فرودستان در جامعه است (کوثری، ۱۳۸۷: ۶۶).

زبان جوانان، به تعبیر باختین، با توجه به تغییرپذیری، هیجان خواهی و تنوع‌پذیری جوانی، خصلت کارناوالی می‌یابد. این کارناوال در دو سطح زبانی-واژگانی و معنایی اتفاق می‌افتد. در سطح زبانی، قواعد دستوری و نحوی، قواعد ادبی و زیبایی شناختی، با تقدم و تاخر، تغییر و جابجایی‌های دگرگونه در واژگان و جمله‌های زبان رسمی و معیار، عمداً نقض می‌شوند. در سطح معنایی نیز، ارزش‌های دارای قدرت گفتمان مسلط در حوزه‌های دین، جنسیت و نهادهای اجتماعی، گفتمان حاکم در خانواده و مدرسه، به چالش کشیده می‌شود. همچنین، باید اضافه نمود که در فضای کارناوالی، ناسزاگویی، فرصتی برای رهایی از تمام یکنواختی‌ها، هنجارها و فشارهای اجتماعی، ایدئولوژی‌های رسمی، قدرت‌های مذهبی و دولتی را فراهم می‌آورد (باختین، ۱۹۸۴).

در توهین، تحقیر و فحاشی، بی‌ارزش جلوه دادن سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین مخاطب هدف قرار می‌گیرد. در این رابطه جانتی نوکلی^۲ (۲۰۰۰) معتقد است که دشنام و فحش دادن نه تنها برای تخلیه هیجان، بروز عواطف، گشودن عقده‌ها، مسائل اخلاقی- تربیتی و روحی بلکه ابزاری برای تهاجم به هنجارهای مسلط و حریم دیگران است که تخریب سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین حریف را به دنبال دارد. به عبارتی، در شرایط بی‌قدرتی، گروه‌های بی‌قدرت ممکن است، از زبان برای تولید نفرین و لعنت به‌عنوان سلاح و یا به‌عنوان مصادیقی از سیاست غیرعلنی استفاده کنند.

در واقع، خرده‌فرهنگ‌های جوانان از یک طرف محملی برای ابراز هویت و ارتباط جوانان با خود و اجتماع بوده و از طرف دیگر شیوه‌ای برای اعتراض است که از طریق مناسک و شیوه‌های رفتاری و گفتاری تبلور می‌یابد. از این منظر باید اشاره نمود که مطالعات نشان می‌دهد رواج رفتارهایی مانند ناسزاگویی، توهین، افترا و...، جنبه‌های مقاومتی ناهنجاری‌های کلامی است که می‌تواند ناشی از لذت و سرخوشی روانی نیز باشد. لذت، از رابطه‌ای خاص میان معناها و قدرت ناشی می‌شود. به نظر فیسک^۳، لذت هم نوعی مقاومت است که برای فرودستان با تأکید بر هویت اجتماعی‌شان، در مقاومت علیه ساختار مسلط و در عین حال مستقل از این ساختار، به دست می‌آید. به باور وی، فرهنگ عامه، بالقوه و غالباً بالفعل، ماهیتی ترقی‌خواهانه (اما نه بنیاد ستیز) دارد (فیسک، ۱۹۸۹: ۲۴-۲۸). بدین ترتیب فرد به هنگام مواجهه با دیگران، با به‌کار بردن واژه‌های رکیک، لذت برده و در صورت کسب لذت آن را تکرار می‌کند.

1. Bakhtin
2. Nockleby John T.
3. Fiske, J

در این زمینه بورديو با پرورانندن مفاهيم نوبنياد عادت‌واره، سرمايه و ميدان، توصيفی بدیع، از خصوصيات کنش فرهنگی افراد به دست می‌دهد. به نظر بورديو (۱۹۸۴)، جامعه انسانی نظامی متشکل از طبقه‌ها، قشرها و لایه‌های مختلف اجتماعی است. پایگاه و موقعیت‌های اجتماعی کنشگران، همانند و یکسان نیست. بنابراین، هر موقعیت اجتماعی با ایجاد قالب‌های رفتاری معین نوع سلیقه و شیوه‌ی سخن گفتن، لباس پوشیدن و دیگر رفتارهای اجتماعی را به‌مثابه سبک ویژه‌ای برای کنشگران خود پدید می‌آورد و به قول ماتون^۱ (۲۰۰۸) نوع کلماتی که انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف در برخوردها بکار می‌برند و رفتارهای متفاوتی که نشان می‌دهند، به‌شدت متأثر از عادت‌واره‌ای است که در آن‌ها درونی شده است.

عادت‌واره‌ها قالب‌هایی از حساسیت‌ها، ارج شناسی‌ها و کنش‌هایی هستند که تحت تأثیر ساختار ذهنی (منش) ناشی از در اختیار داشتن انواع سرمايه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرند (فلور، ۲۰۰۵: ۸؛ به نقل از روحانی، ۱۳۸۸: ۱۶) و در نتیجه افراد بر اساس تملک انواع سرمايه و عادت‌واره‌هایشان که جنبه اساسی سبک زندگی‌شان محسوب می‌گردد، دست به انتخاب الگوهای رفتاری ویژه‌ای می‌زنند که تأثیر این الگوها بر نوع بیان و گفتارشان انکارناپذیر است.

مفهوم «میدان»^۲ یکی دیگر از مفاهيم مورد استفاده در این تحقیق بود، میدان از طریق عملکرد با عادت واره پیوند می‌یابد و بدین‌سان عادت واره با عملکرد ساخته می‌شود و در جهت کارکردهای عملی قرار می‌گیرد که در میدان صورت می‌گیرند. میدان‌ها مدل‌های کوچک متمایز در درون فضای اجتماعی هستند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۷۲۴).

مطالعات نشان می‌دهد رفتار و گفتار و اعمال افراد در میدان‌های مختلف مبتنی بر عادت‌واره، روابط سلسله‌مراتبی را در جامعه بازتولید می‌سازد. در چنین شرایطی می‌توان گفت عادت‌واره خلق و خویی را گسترش می‌دهد که در بسیاری از موارد ارتباط میان افراد و گروه‌های اجتماعی را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد و حتی در بسیاری از مواقع آن را مختل می‌نماید. در این رابطه کروسلی^۳ (۲۰۰۱) نیز عقیده دارد، تجربیاتی که در خانواده به فرد آموخته می‌شود متأثر از عوامل اجتماعی است که در خانواده نهادینه گشته است و در عادت‌واره فرد متضمن گشته است و به طور کلی سبک زندگی فرد را سامان می‌دهد. حال بررسی پدیده ناسزایی گویی و رواج این مسئله در بین جوانان، بر اساس رویکرد نظری بورديو به سبک زندگی و عادت‌واره که برگرفته از همان فلسفه‌ی دیالکتیکی وی است و مبتنی بر تمایزاتی (که پایه شکل‌گیری عادت‌واره‌های متفاوتی) از رهگذر شیوه‌های مختلف تملک بر سرمايه (چه اقتصادی و اجتماعی بویژه فرهنگی) است، بسیار حائز اهمیت است.

1. Maton

2. Champs (Field)

3. Crossley

مفهوم سرمایه فرهنگی یکی دیگر از مفاهیم مورد استفاده در این تحقیق بود که مفهومی کلیدی در دستگاه نظری بوردیو است. آشافنبرگ و ماس^۱ (۱۹۹۷) ویژگی اصلی سرمایه فرهنگی را مهارت و آشنایی با رمزهای فرهنگی و اعمال طبقات مسلط می‌دانند. دومایس^۲ اشاره می‌کند که سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی و فرهنگی و مهارت در فرهنگ طبقات بالاتر است. موضوع زبان مناسب و فرهیخته به عنوان جزئی مهم از سرمایه فرهنگی به وسیله سولیوان^۳ (۲۰۰۱) ارائه شده است. بعلاوه بوردیو ضمن بحث از سرمایه فرهنگی که منجر به بازتولید فرهنگ طبقه مسلط می‌شود، اشاره به این امر دارد که سرمایه‌ی فرهنگی برآیند ترکیبی از سرمایه‌ی اقتصادی و بکارگیری عادت‌واره‌هاست.

بوردیو با تقسیم‌بندی که از سرمایه فرهنگی، یعنی {تجسیدی (مهارت‌ها)، عینی (کالاهای فرهنگی) و نهادینه (عناوین و مدارج تحصیلی)} به دست می‌دهد، نشان می‌دهد که موقعیت کنشگر علاوه بر در اختیار داشتن انواع سرمایه‌های اقتصادی (انواع دارایی‌های مادی شامل مالکیت خصوصی یا عمومی) و اجتماعی، به سرمایه‌ی فرهنگی‌ای مبتنی است؛ که افراد توسط آن، مدل و نحوه‌ی کنش (کلامی و تعاملی) خود را انتخاب می‌کنند (سوارتز^۴، ۱۹۹۷). بوردیو (۲۰۰۳) مطرح می‌نماید که می‌توان افراد و نوع برخوردها و تعاملات آن‌ها را از لحاظ سرمایه فرهنگی باهم مقایسه کرد. در زمینه‌ی برخورداری از سرمایه فرهنگی (تحصیلات و مصرف کالاهای فرهنگی)، افرادی که از تحصیلات پایین‌تری برخوردار هستند، از کالاهای فرهنگی کمتری استفاده می‌نمایند و ترجیحات زیباشناسانه متفاوتی نیز با گروهی دارند که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند. چنین تفاوت‌هایی در برخورداری از سرمایه فرهنگی تاثیر بسزایی بر فرهنگ کلامی افراد در این گروه‌ها دارد و جنبه‌های مقاومت در برابر هنجار مسلط را در قالب شکستن تابوهای کلامی نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

به دلیل ویژگی‌های خاص گروه مورد مطالعه، در این تحقیق از تکنیک‌های کیفی جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. به این معنی که لازم بود تا نخست با مطالعه‌شوندگان ارتباط قابل اعتمادی برقرار شود و در گام بعد این فرصت فراهم گردد تا آنان در راستای محورهای مورد نظر تحقیق، نظر خود را ابراز نمایند. برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، از تکنیک «مصاحبه» استفاده شد. همانطور که پیشتر اشاره شد، مطالعه‌شوندگان، جوانان بودند. ۱۱ نفر از این جوانان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر تکنیک گلوله برفی انتخاب شدند. یعنی منبع یافتن مصاحبه‌شونده بعدی، از طریق مصاحبه‌شونده فعلی بوده است. گلیرز و اشتراوس معیار

1. Aschaffenburg & Mass
2. Dumais
3. Sullivan
4. Swartz

اشباع نظری را برای اتمام مصاحبه‌ها اینگونه پیشنهاد می‌کنند: «اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موارد حاصل شود (داده جدیدی به داده‌های گردآوری شده، افزوده نشود) (فلیک، ۱۳۸۷). از این رو، یکی از شیوه‌های مناسب برای اتمام مصاحبه‌ها در روش کیفی، مواجهه پژوهشگر با پاسخ‌های تکراری مطالعه شوندگان است. زمان و مکان مصاحبه‌ها با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان متفاوت بوده و بدین منظور مصاحبه‌ها در مکان‌هایی همچون کافی شاپ، قهوه‌خانه، آرایشگاه، پیاده‌رو، کانون زبان، خانه، پارک و... صورت پذیرفته‌اند. همچنین زمان مصاحبه بسته به وقت و مکان مصاحبه بین ۵۰ تا ۱۰۰ دقیقه در نوسان بوده است. مصاحبه‌شوندگان به دلایل مختلف با ضبط مصاحبه موافقت نکردند و میانگین مدت‌زمان انجام مصاحبه نیز یک ساعت بوده است. تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. بدین صورت که ابتدا متن مصاحبه‌ها در قالب رونوشتی تهیه‌شده و پس از رسیدن به مفاهیم اصلی تحقیق در مرحله بعد به استخراج اظهارات مهم و مرتبط با موضوع پرداخته شد. سپس مقولات اصلی نیز دسته‌بندی گردیدند و در نهایت به یکپارچه‌سازی و جمع‌بندی مهم‌ترین مضامین تحقیق پرداخته شد و در نهایت مقوله هسته‌ای شناسایی شد.

توصیف مصاحبه‌شوندگان

در پژوهش انجام شده به‌منظور دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر، تلاش شد تا طیف متنوعی از افراد در طبقات مختلف سنی و تحصیلی انتخاب شوند.

جدول شماره ۱: خصوصیات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	
۱	زهره، ۲۴ ساله، اهل اصفهان، ساکن رشت، متأهل (بدون فرزند)، لیسانس ادبیات فارسی، ویزیتور وسایل بهداشتی-آرایشی، مکان مصاحبه: آرایشگاه، مدت‌زمان مصاحبه: ۴۵ دقیقه.
۲	فریده، ۲۸ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، متأهل (دارای یک پسر ۸ ساله)، دیپلم انسانی، خانه‌دار، مکان مصاحبه: خانه، مدت‌زمان مصاحبه: ۵۰ دقیقه.
۳	نگین، ۲۸ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، مجرد، لیسانس، بیکار، مکان مصاحبه: کافی شاپ، مدت‌زمان مصاحبه: ۶۵ دقیقه.
۴	نگار، ۲۹ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، مجرد، کارشناسی ارشد، بیکار، مکان مصاحبه: آرایشگاه، مدت‌زمان مصاحبه: ۸۰ دقیقه.
۵	سحر، ۲۴ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، مجرد، لیسانس مدیریت اجرایی، بیکار، مکان مصاحبه: کانون زبان شعبه فرهنگ (واحد خاوران)، مدت‌زمان مصاحبه: ۵۰ دقیقه.
۶	پریا، ۲۵ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، مجرد، لیسانس، بیکار، مکان مصاحبه: توشیبا، باشگاه ورزشی، مدت‌زمان مصاحبه: ۷۰ دقیقه.
۷	رسول، ۲۷ ساله، اهل اردبیل، ساکن رشت، مجرد، لیسانس مهندسی برق، بیکار، مکان مصاحبه: پیاده‌رو علم الهدی، مدت‌زمان مصاحبه: ۷۰ دقیقه.

۸	سالار، ۲۳ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، مجرد، دیپلم، بیکار، مکان مصاحبه: پارک قدس رشت، مدت‌زمان مصاحبه: ۸۰ دقیقه.
۹	مهدی، ۲۸ ساله، اصالت ترک قزوین، ساکن رشت، دیپلم، کاسب بازار، مکان مصاحبه: قهوه‌خانه‌ای در رشت، مدت‌زمان مصاحبه: ۹۰ دقیقه.
۱۰	پرهام، ۳۰ ساله، اهل رشت، ساکن رشت، مجرد، فوق‌دیپلم کامپیوتر، فروشنده (کفش)، مکان مصاحبه: گلزار، مدت‌زمان مصاحبه: ۸۵ دقیقه.
۱۱	پیمان، ۳۰ ساله، اهل رشت (اصالت ترک)، ساکن رشت، متأهل، دانشجوی حقوق، پیمانکار، مکان مصاحبه: خیابان معلم رشت، مدت‌زمان مصاحبه: ۶۵ دقیقه.

یافته‌ها

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، تعداد نمونه‌های مصاحبه شده در پژوهش حاضر ۱۱ نفر بوده‌اند که از طریق تکنیک گلوله برفی به دست آمدند. مصاحبه با سؤالاتی در مورد ویژگی‌های شخصیتی و هویتی مصاحبه‌شوندگان آغاز شد و سپس با مطرح کردن سؤالی درباره‌ی عوامل مؤثر بر رواج ناسزاگویی ادامه داده و با پرسیدن سؤالاتی درباره دلایل گرایش افراد به ناسزاگویی در جامعه که در چند سال اخیر به‌طور محسوسی شیوع پیدا کرده است و همچنین با توجه به کیفیت رابطه فرهنگی و بحران فرهنگی و نقش عوامل فردی و اجتماعی دخیل در این مسئله، دیدگاه‌های افراد مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین با استفاده از پرسش‌هایی در خصوص ویژگی‌های شخصیتی و هویتی خانواده و گروه دوستان و تأثیر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در آموزش و گسترش پدیده ناسزاگویی به بررسی و واکاوی این مسئله پرداخته شد. پرسش‌های مطرح‌شده در مصاحبه عبارت‌اند از: عوامل مؤثر بر رواج ناسزاگویی در بین جوانان چیست؟ در چند سال اخیر، چه عواملی باعث گرایش جوانان به ناسزاگویی شده است؟ خانواده و گروه دوستان چه نقشی می‌توانند در گسترش یا عدم گسترش ناسزاگویی داشته باشند؟

الف) دیدگاه جوانان نسبت به ناسزاگویی در گفتار و خشونت‌های کلامی

*ناسزا به‌مثابه یک عادت زبانی (عادی‌سازی ناسزا)

نکته‌ای که غالب مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره داشتند این بود که در نتیجه‌ی تحولات روزافزون، شیوه بیان و گفتار مردم تغییر کرده است و برخی از آنان به‌طور خصمانه و اغراق‌آمیز صحبت می‌کنند. بسیاری از مردم برای جلب‌توجه و یا برای گرفتن امتیاز با صدای بلند صحبت می‌کنند. فحش و یا استفاده از کلمات لعن و نفرین در تعامل اجتماعی امری عادی شده است. همان‌طور که بوردیو (۱۹۸۴) نیز عنوان می‌کند، تغییر متن و شرایط زندگی که فرد در آن به شکوفایی می‌رسد، در نوع ذائقه و سلیقه‌های تعاملاتی افراد مؤثر هستند. برای نمونه:

«این روزا با جوونای زیادی برخورد می‌کنم که حرفای زشت و رکیک می‌زنن و مثلاً تیکه می‌پروندن و البته نسبت به قبل خیلی هم داره بیشتر میشه و به نظرم فرقی

نداره بین پیر و جوون بودن. تو هر سنی دیده میشه. ولی خب اون چیزی که بیشتر می‌بینم و تجربه ثابت کرده اینه که جوونا بیشتر فحش و ناسزا رو بکار میبرن.» (نگار ۲۶ ساله لیسانس، مجرد).

فحاشی و رکیک بودن، به‌منزله مد تلقی می‌گردد! گفتارهای رکیک اغلب به وسیله‌ای برای بیان احساسات افراد تبدیل شده است؛ احساساتی چون خشم، سرخوردگی و یا برای رسیدن به یک نتیجه اجتماعی مانند توهین، آزار و اذیت یا طنز استفاده می‌کنند.

برای نمونه: «فحش دادن خیلی زیاد شده و بخصوص تو قشر جوون انگار این جور حرف زدن مد شده چون زیاد می‌بینم و می‌شنوم اونم به خاطر اینه که شاید اخلاق دیگه معنی سابق رو نداشته باشه... اون حجب و حیایی که قبلاً بوده الان دیگه نیست. خیلی چیزها بوده که الان دیگه نیست. مثلاً کسی جلوی پدر و مادرش پاشو دراز نمی‌کرد ولی الان اگه مؤدب باشی بهت تیکه میندازن میگن چه بچه‌ی مؤدبی، پاستوریزه و سوسول و...» (مه‌دی، ۲۸ ساله، دیپلم).

مفاهیم کلیدی: رواج فحاشی، تغییر معنای اخلاق، قدرت عناصر بیرونی در شکل‌دهی ذائقه‌ی کلامی

*ناسزا به‌مثابه ابزار قدرت و لذتی تسکین‌دهنده

یافته‌ها حاکی از آن است که رواج رفتار ناسزاگویی از رابطه‌ای خاص میان معناها و قدرت ناشی می‌شوند. محرومیت‌ها و مضیقه‌های ساختاری زمینه‌ساز احساس محرومیت است و گاهی مروج و محرک خود ابرازی‌های کنترل نشده و رواج ناسزاگویی در گفتار است. لذت موقت به کار بردن یک ناسزا، دست انداختن و آزار کلامی دیگران را می‌توان نوعی واکنش به این محرومیت تلقی کرد. برای نمونه:

«من به شخصه خیلی فحش دادن رو دوست دارم و اینجوری سبک میشم والا دستم که به جایی بند نیست لااقل چارتا لیچار بار این و اون میکنم و گرنه دق میکنم!... تو خونه هم که هستم بیشتر عاشق اینم که به خوه‌رام فحش بدم. اونام اصلاً حرف نمیزنن. چون حرف نمیزنن منم بیشتر بد و بیراه میگم اینجوری ازم حساب میبرن، این یعنی احترام... این حس برای من یه دنیاست.» (سالار، ۲۳ ساله، دیپلم).

«منازعه قدرت» ویژگی فضای اجتماعی است که این منازعه در گفتار و هنجارهای زبانی ظهور پیدا می‌کند و آنچه گفتنش مجاز است و یا «عادت» و زبان نیز به شکل آنچه باید سانسور شود، برای کنشگران تعیین می‌کند. کلام و زبان از عناصر اصلی مبارزه و رقابت‌هایی هستند که

بر سر استفاده از فرهنگ درمی‌گیرد و از عناصر ذاتی فرایندهای بازتولید فرهنگی است. این کارکرد کلامی به‌ویژه در متن و زمینه میدان معینی مورد استفاده قرار می‌گیرد و ویژگی‌های بیانی و لحن و آهنگ زبان نیز مدیون همین متن و زمینه و به عبارتی عادت واره است.

مفاهیم کلیدی: احساس محرومیت، منازعه قدرت، خود ابرازی، لذت آنی، جنبه‌ی هنجاری ناسزاگویی

*ناسزاگویی و رابطه‌ی توأمان صمیمیت و خشونت

یک قانون نانوشته عجیب برای جمع‌های دوستانه امروزی می‌گوید هر چه الفاظ رکیک‌تر و ناسزاها درشت‌تر باشد، صمیمیت بین افراد هم بیشتر است! مثلاً افراد برای نشان دادن ارادت یا ابراز علاقه به‌جای استفاده از کلماتی مثل مخلصیم و چاکریم، از الفاظ زنده‌ی دیگری استفاده می‌کنند و با این کار درواقع قبح به کار بردن این فحش‌ها را از بین می‌برند؛ و درجایی دیگر از همین واژه‌ها برای ابراز تنفر و خشونت استفاده می‌کنند. به‌عنوان نمونه:

«هنو رفیقام کلا زبانمون فحشه البته نه بگین توهین نه... فقط واسه اینه که با هم راحتیم ... حتی با دوستانم می‌خوام حرف بزوم فحش به عمه و ننه اینا میدیم. البته فقط من نمیگما اونام میگن... راستش اصن خوشمون نمیداد بعضیا که بچه سوسولن و خیلی رسمین و انگار از دماغ فیل افتادن... جوون باید بچه ننه نباشه... ولی وای به روزی که یکی به خونواده و خودمون توهین آمیز فحش بده یعنی به جوری فحش میدم و تلافی می‌کنم که فراموش کنه که کی بوده اصلا» (سالار، ۲۳ ساله، دیپلم).

هرچه فحش رکیک‌تر صمیمیت بیشتر!

«وقتی که به دوستانم فحش می‌دم این نشانه نزدیکی و صمیمیت بیشتره. چون من هرگز نسبت به یه غریبه و کسانی که باهاشون رابطه‌ی دوستی و صمیمیتی ندارم از این کلمات استفاده نمی‌کنم و باهاشون با نزاکت رفتار می‌کنم.» (نگین، ۲۸ ساله، دیپلم).

معنی فحش از شخصی به شخص دیگر فرق دارد!

معنای دوم ناسزاگویی یعنی خشونت زمانی فعال می‌شود که یکی از طرفین منازعه یا هر دو از ناسزاگویی در قالب جدی (نه شوخی) و برای رنجاندن و آزار و اذیت همدیگر و یا تهدید همدیگر و یا ابراز خشم خود استفاده کنند. مثلاً در نزاع‌های خیابانی بین آدم‌های غریبه، در خشونت‌های خانگی بین افراد عضو یک خانواده. برای نمونه:

«ناسزاگویی همیشه به معنی توهین نیست. یک‌زمان شما از دست کسی ناراحت هستی و به او دشنام میدی؛ اما جای دیگه به خاطر صمیمیت و رفاقتی که داری و به خاطر دوست داشتن زیاد به اون فحش میدی تیکه میندازی. پس اینکه داری به کسی فحش میدی خیلی فرق داره» (مهدی ۲۸ ساله، دیپلم).

این به‌ظاهر صمیمی‌تر شدن روابط به قیمت شکستن تابوی هتک حرمت به افراد تمام می‌شود. جوانانی که این‌گونه با همدیگر صحبت می‌کنند در واقع حس تعلق خود به فرهنگ ناسزاگویی را ابراز می‌دارند. احساس تعلق در میان اعضای هر گروهی دربرگیرنده یادگیری و کاربرد کدهای فرهنگی خاصی است. آشنایی و کاربرد این کدها بیانگر عضویت آن‌ها در یک گروه خاص است. تسلط بر یک سری کدهای پیچیده که فقط محرم‌ها یا خودی‌های یک گروه از آن سر درآوردند لازمه خود ابرازی فرهنگی است؛ و نوعی سرمایه خرده‌فرهنگی^۱ محسوب می‌شود. به عنوان نمونه:

«تقریباً تمام گروه‌های صمیمی دوستانه که دوروبرم هستن از این الفاظ به‌عنوان شوخی و البته به جور عادت استفاده می‌کنن... این فحش‌ها فقط بین گروه‌های دوستی رواج داره و نمود اجتماعی دیگه‌ای برای من نداره برای همین هم اشکالی ندارد و کسی به فکر ترک آن نمیفته» (پرهام، ۳۰ ساله، فوق دیپلم).

بنابراین، منطبق ناسزاگویی را می‌توان در بین جوانان و در سطح ارتباطات بین فردی، با توجه به زمینه‌ی^۲ آن، در دو واژه‌ی «صمیمیت و خشونت» خلاصه کرد. از منظر مطالعات فرهنگی، این صمیمیت و خشونت ممکن است در اشکال جمعی آن دال بر مقاومت باشد. در میان گروه‌های دوستانه و خودی‌ها ناسزاگویی حاکی از صمیمیت است اما در ارتباطات بین فرهنگی و به عبارتی در برخورد با افرادی از گروه‌های دیگر یعنی غیرخودی‌ها یا غریبه‌ها، ناسزاگویی مصداق خشونت کلامی است که حتی می‌تواند مقدمه خشونت فیزیکی واقع شود. در معنای اول، ناسزاگویی جای سلام کردن را گرفته است و در میان دوستان صمیمی رواج دارد. در چنین زمینه‌ای جوانان به همدیگر یا به نوامیس همدیگر فحش و ناسزا می‌گویند بدون اینکه یکی از طرفین یا هر دو احساس رنجش کنند یا از کوره در بروند یا احساس کنند که به آن‌ها توهین شده است.

مفاهیم کلیدی: ناسزا و صمیمیت، ناسزا و تنفر، ناسزای درون‌گروهی (تعلق) و برون‌گروهی (دشمنی و خصومت)

1. Subcultural capital
2. Context

* پیوند ناسزا و جنسیت

بر طبق مصاحبه‌های صورت گرفته، نوع ناسزاگویی مردان و زنان متفاوت بوده و به‌طور معمول زنان بیشترین قربانیان ناسزاگویی هستند. نحوه به‌کارگیری کلمات مشخص و کاربرد آن‌ها، گواه تأثیر و تأثر زبان و نظام اجتماعی به نفع نهادینه کردن فراتری و فروتری جنسیتی است. زنان صرف‌نظر از سن و طبقه بیش از مردان به کاربرد اشکال استاندارد کلام گرایش دارند. شاید این به معنای تلقی خرده‌فرهنگی و اقلیت بودن زنان در عرصه فرهنگ رسمی است که سبب می‌شود جنس دوم اولاً از سنت‌شکنی در کلام استاندارد بگریزد و ثانیاً به توصیف امور رضایت دهد و لذا جلوه‌های متفاوت این وضعیت را به مردان واگذارد. برای نمونه:

«بین پسرها فحش رایج تره، شاید بخاطر اینه که دیگران ارزش حساب بپرن و بهشون احترام بزارن، خب بعضی دخترام استفاده میکنن شاید به این خاطر که شکننده و ظریف و ناز نازو نیستن چون بعضی دخترا پسر بودنو دوست دارن و ادای اونو رو همش در میارن تا شخصیت خودشونو نشون بدن». (پرهام، ۳۰ ساله، فوق دیپلم).

مفاهیم کلیدی: ناسزا و نمایش جنسیت، فراتری و فروتری جنسیتی در ناسزا، گریز زنان از سنت‌شکنی کلامی

ب- عوامل گرایش جوانان به ناسزاگویی در گفتار

* وضعیت سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی

سرمایه اقتصادی پایین

نابرابری‌های افراد در سرمایه‌های (اقتصادی، فرهنگی) نوع و کیفیت روابط اجتماعی را در بین گروه‌های اجتماعی تعیین می‌کند و از این حیث به سلیقه کلامی افراد شکل و غالب ویژه‌ای می‌بخشد. در این رابطه نکته قابل تأمل در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان این تحقیق نسبت به معیار کیفیت کلام و ناسزاگویی، توجه به وضعیت پایگاه اجتماعی اقتصادی آنان است. برای نمونه:

«معمولاً به یه نقطه‌ای در درونمه که همون نقطه جوشه و دیگه به اصطلاح کاسه صبرم که لبریز بشه فحاشی می‌کنم بار مسئولیت اقتصاد خانواده و خیلی چیزای دیگه که به پول ربط داره، تحمل شرایط سخت اقتصادی و برآورده نشدن نیازهای مادی باعث میشه با کوچک‌ترین جرقه‌ای کنترل از دست بدم و فحاشی کنم» (پیمان، ۳۰ ساله، دانشجو).

مفاهیم کلیدی: کمبود منابع مالی موردنیاز، عدم امنیت اقتصادی و شغلی

سرمایه فرهنگی پایین

سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده بر رفتارها، ترجیحات و نگرش‌ها، انگیزه‌های رفتاری انحرافی مانند به‌کارگیری الفاظ ناشایست و زشت، توهین به دیگران و انحرافات جنسی و ... تأثیر می‌گذارد و انتخاب راهکارهای مناسب، در خانواده نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و در نتیجه کیفیت فرهنگی و تعاملات اجتماعی افراد دارد. برای نمونه:

«به نظر من تحصیلات و سواد مهمه ولی خب آدم که از کوره در بره دیگه در رفته حالا شاید منی که تحصیل کرده‌ام هستم نوع کلماتم برای گفتن ناسزا خیلی فرق داشته باشه. یکی که از قشر پایین و بی‌بضاعت فحشایی که می‌ده خیلی فرق داره (چون ممکنه خیلی رک و بی‌پرده فحش بده و رکیک باشه) با اونی که از اقشار بالاتره و حتی تحصیلاتم داره) این قماش از ادما با کلماتی با کلاس‌تر بددهنی میکنن و حرفاشونم جووری میکنن که آدم فک نمیکنه این ادبیاتشون فحشه... (پرهام، ۳۰ ساله، فوق دیپلم).

سلیقه‌های کلامی و گفتاری به مثابه یکی از آشکارترین نشانه‌های عادت‌واره، پیوندی مستقیم با موقعیت فرد دارد (بورديو، ۱۹۹۱).

در بررسی رابطه وضعیت سرمایه اقتصادی و فرهنگی مشاهده شد که نمی‌توان این دو مقوله را به گونه‌ی جداگانه مورد بررسی قرارداد؛ چراکه لزوم فقر اقتصادی بدون توجه به فقر فرهنگی در رابطه با مسئله ناسزاگویی قابل توجه نیست و تفاوت‌ها بیشتر در نوع انتخاب کلمات ناسزا خود را نشان می‌دهد؛ یعنی موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرهنگی افراد به گونه‌ی توأمان نوع استراتژی‌های آنان را در جایگاه‌های مختلف در زندگی روزمره و در تعامل با دیگران سمت‌وسو می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: تأثیر گروه همسال، نظارت خانواده، سطح تحصیلات والدین، سطح آگاهی والدین

*عدم استفاده صحیح از وسایل ارتباطی جدید (شبکه‌های اجتماعی مجازی)

گسترش روزافزون وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های مجازی علاوه بر ایجاد امکانات مفید و کاربردی فضایی جدید برای ابراز احساسات کلامی در قالب ناسزا فراهم نموده است. در این رابطه به‌واسطه ویژگی‌های دنیای مجازی که مهم‌ترین آن فرصت سخن‌رانی در قالب هویت‌های دلخواه است، یکی از عوارض این مسئله رواج یافتن بروز خشم و اعتراض به بدترین شکل و با الفاظ رکیک است؛ چراکه اشخاص فحاش‌نگرانی از پیگرد ندارند، ساعت‌ها این کار را ادامه می‌دهند و در اغلب موارد مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند.

«این گوشیا پدر مردم در آورده، بدبخت بیچاره کرده این ملتو. بخصوص تلگرام و اینستا و برنامه‌های دیگه اینقدر کانالا و صفحات مبتدل توی این تلگرام و اینستا هست که یه بچه دو ساله هم میتونه هر فحشی رو یاد بگیره.» (زهرا، ۲۴ ساله، لیسانس).

«یه جورى شده که این اینترنت بی‌ادبی اخلاقی رو زیاد کرده الان همه حتی بچه مدرسه اییا هم گوشى دارن دیگه هر چی بخوابن توش پیدا میشه و واقعا کنترش سخته بدتر از اون اینه که وقتی پدر و مادرا هر کدوم دو تا خط گوشى دارن همش سرشون توی تلگرام و اینستاگرام و ایناست و وقتی هم بهم گیر میدن فحش میدن.» (فریده، ۲۸ ساله دیپلم).

بنابراین، می‌توان قدرت تسری بی‌اخلاقی و ناسزاگویی در گفتار را از طریق فضای مجازی در جامعه واقعی جستجو کرد که به دلایل مختلف بدهنجا است و این موضوع را می‌توان در شواهد رفتاری مردم چه در فضای عینی جامعه و چه در فضای مجازی مشاهده نمود. این تعاملات ناهنجا کلامی در محیط جامعه و در لایه‌های زیرین پنهان است و زمانی که شرایط مهیا باشد ظهور می‌یابد.

مفاهیم کلیدی: فضای مجازی آینه‌ای از فضای واقعی، خلق هویت دلخواه در فضای مجازی، دسترسی آسان، عدم کنترل و مدیریت پیشگیرانه

با نگاهی به این بخش از یافته‌های پژوهش انجام شده، باید گفت با توجه به تغییراتی که جوامع امروزی در وجوه مختلف با آن رو به رو هستند، شاهد تغییر در گفتار و سبک صحبت افراد به ویژه جوانان هستیم. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ناسزاگویی جوانان که داده‌های این پژوهش نیز مؤید آن است، عدم نظارت خانواده و کم کاری در تربیت فرزندان و همچنین فراهم کردن بستر ناسزاگویی برای آنان است. فرزندان والدینی که به رفت و آمد فرزندان، انتخاب دوست و... بی‌توجه هستند، بیشتر ناسزاگویی را به کار می‌گیرند.

از سوی دیگر، بر اساس نظرات مصاحبه شونده‌گان، سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در دسترس والدین و خانواده تأثیر بسزایی بر بروز پدیده ناسزاگویی در فرزندان دارد. به طوری که فرزندان خانواده‌هایی با سطح تحصیلات بالا و روابط اجتماعی مناسب و تفریحات سالم (همچون گذران اوقات فراغت فرزندان در کلاس‌های مختلف هنری، ورزشی، علمی، مسافرت به همراه خانواده و...) کمتر گرفتار ناسزاگویی می‌شوند. در مقابل، جوانان متعلق به طبقات پایین تر، از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشتر اوقات فراغت خود را از طریق گوشى همراه در شبکه‌های مجازی می‌گذرانند و از تفریحات مناسب نامبرده شده محروم هستند. به دلیل فقدان شادی‌های گروهی در جامعه، مشغله‌های ذهنی بیشمار، بیکاری و مشکل سربر

خانواده شدن، بسیاری از جوانان برای تخلیه‌ی احساسات منفی خود، به دلیل ویژگی‌های تنوع‌پذیری، هیجان‌پذیری و تغییر‌پذیری زبان کارناوالی، به ناسزاگویی متوسل می‌شوند.

با نگاهی جنسیتی به پدیده ناسزاگویی می‌توان گفت که، فحاشی در پسران رایج‌تر از دختران است، با این حال دختران هم از این قاعده مستثنی نیستند. بدین صورت که دختران نسبت به پسران از ادبیات ملایم‌تری استفاده می‌کنند ولی در مقابل مردان بخاطر مرد بودن از الفاظ خشن و رکیک استفاده می‌کنند. البته ناگفته نماند همان‌طور که جامعه ایرانی در حال تغییر در زمینه‌های مختلف است، داده‌های این پژوهش نیز گویای تغییر در روال انگاره‌های جنسیتی بوده، به طوری که شاهد مواردی چون: ناسزاگویی (متلک) از طرف دختران به پسران نیز هستیم. مفاهیم کلیدی مستخرج از کد گذاری پاسخ‌های ارایه شده در مصاحبه‌های افراد نمونه در جدول ۲ به شرح زیر آمده است:

جدول شماره ۲: خلاصه یافته‌ها بر اساس کد گذاری‌ها، مقولات و مفهوم هسته‌ای

ردیف	مفاهیم کلیدی	مقولات	مفهوم هسته‌ای
۱	رواج فحاشی تغییر معنای اخلاق قدرت عناصر بیرونی در شکل‌دهی ذات‌قهی کلامی	ناسزاگویی به مثابه یک عادت زبانی (عادی سازی ناسزا)	مفهوم هسته‌ای
۲	احساس محرومیت منازعه قدرت خود ابرازی لذت آنی جنبه‌ی هنجاری ناسزاگویی	ناسزاگویی به مثابه ابزار قدرت و لذتی تسکین‌دهنده	مفهوم هسته‌ای
۳	ناسزا و صمیمیت ناسزا و تنفر ناسزای درون‌گروهی (تعلق) و برون‌گروهی (دشمنی و خصومت)	ناسزاگویی و رابطه‌ی توأمان صمیمیت و خشونت	مفهوم هسته‌ای
۴	ناسزا و نمایش جنسیت فراتری و فروتری جنسیتی در ناسزا گریز زنان از سنت‌شکنی کلامی	پیوند ناسزا و جنسیت	زبان مخفی سرمایه خرده فرهنگی

وضعیت سرمایه اقتصادی وسرمایه فرهنگی	۵ کمبود منابع مالی مورد نیاز عدم امنیت اقتصادی و شغلی تاثیر گروه همسال نظارت خانواده سطح تحصیلات والدین سطح آگاهی والدین
۶ فضای مجازی آینده‌ای از فضای واقعی، عدم استفاده صحیح از وسایل خلق هویت دلخواه در فضای مجازی، ارتباطی جدید (شبکه‌های دسترسی آسان، عدم کنترل و مدیریت اجتماعی مجازی) پیشگیرانه	
زبان کارناوالی	۷ تنوع پذیری هیجان‌خواهی تغییر پذیری

بنابراین به عنوان یک نتیجه کلی در ارتباط با ناسزاگویی و رواج آن در بین جوانان با توجه به مطالب مطروحه و نتایج و یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که رواج ناسزاگویی معلول ترکیبی از مسائل ساختاری و دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی است که گاه ویژگی‌ها و گروه‌بندی‌های فرهنگی نسبت به خصیصه‌های اقتصادی در قریحه‌های کلامی و تمایز و تشخیص اجتماعی آنان، تاثیر واهمیت بیشتری دارند و خود نوعی زبان مخفی سرمایه خرده فرهنگی را بوجود می‌آورند.

بحث و نتیجه‌گیری

زبان و گفتارهای کلامی از ابزارهای اساسی محسوب می‌گردد و فرد نه تنها به وسیله‌ی آن روایت مشخصی از خویشتن خویش به دست می‌دهد، بلکه از طریق همین روایت از سوی دیگران نیز مورد درک و تفسیر قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش که از مصاحبه‌های عمیق با جوانان شهر رشت به دست آمد مؤید این مطلب است که ناسزاگویی در گفتار به سبب موقعیت‌ها و یا ویژگی‌های ساختاری (همچون سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی) قابل تبیین است؛ اما آنچه در این میان جلوه‌گری بیشتری داشته است؛ تاثیر کنش‌های مصرفی سرمایه‌های فرهنگی بر گفتارهای کلامی آن‌ها بوده است.

مقایسه بین سرمایه‌های فرهنگی افراد نشان داد که جوانان با سرمایه فرهنگی پایین و همچنین فاقد سرمایه اقتصادی گرایش بیشتری به بکارگیری ناسزا در گفتار خویش داشته‌اند و به عبارت دیگر، با توجه به نوع تعاملات اجتماعی-فرهنگی در گروه‌های خرده فرهنگی متناسب به آنان، در عادت‌واره آنان معنایی متفاوت نسبت به ناسزاگویی شکل می‌گیرد، به طوری که

بکارگیری ناسزا به ایجاد خرده‌فرهنگی خاص و شبکه‌ای از روابط منجر می‌گردد که فرد از طریق آن احساس تعلق می‌کند و همین امر از سوی دیگر به مثابه نماد نفرت در بین غریبه‌ها تلقی می‌گردد. در این رابطه با الهام از دیدگاه بوردیو (۱۳۸۰) می‌توان گفت که فضای اجتماعی کنشگران با ترکیبی از دو سرمایه فرهنگی و اقتصادی همچون واقعیتی نامرئی است که بیان و تظاهرات کلامی عاملان اجتماعی را تنظیم می‌کند. بنابراین، اشتراکات کلامی عاملان اجتماعی به فاصله آنان در این فضا بستگی دارد و این یافته‌ها با تحقیقات لن کووا (۱۹۹۸) همسو است.

کمبود فضای کافی گفتمانی از عوامل دیگری است که سبب می‌گردد فرد به ناسزاگویی دست بزند. این پدیده با شدت و ضعف در میان تمام اقشار رایج است و حتی می‌توان ابراز داشت که این شکل از ناسزاگویی به مثابه منازعه قدرت، یک جنبش اجتماعی پنهان است (کالورت، ۱۹۹۳). در خصوص دلالت‌های اعتراضی و مقاومتی این هنجارشکنی‌های فرهنگی، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان این رفتارهای جوانان را ناشی از نوعی سبک زندگی و موقعیت فرد می‌دانند. بدین صورت که کنش نتیجه‌ی رابطه‌ی بین تمایلات شخص (عادت‌واره) و جایگاه او در میدان (سرمایه) است به‌گونه‌ای که امکان بروز آن در شرایطی خاص فراهم می‌گردد. بدین ترتیب کنش‌ها صرفاً نتیجه‌ی عادت‌پذیری فرد نبوده، بلکه نتیجه‌ی رابطه‌ی بین عادت‌پذیری شخص با وضعیت فعلی او هستند.

برخی از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار بر ناسزاگویی عمل می‌کند به طوری که افراد با علم به گمنامی و قابلیت ساخت هویت جعلی در فضای مجازی اقدام به ناسزاگویی کرده که در اکثر موارد حدود مرز آن مشخص نیست و از خشونت‌های کلامی بیشتری برخوردار است. در این ارتباط یافته‌های تحقیق با پژوهش (چوون، نوریگا و خاویر، ۲۰۰۹) مطابقت دارد. همچنین ناسزاهای جنسی که عمدتاً زنان را هدف قرار می‌دهد نیز راهی برای اعمال قدرت جنسیتی محسوب می‌گردد (لیلیان، ۲۰۰۷)؛ حال در این بین عوامل مهمی در افزایش ناسزاگویی در گفتار نقش دارند. بنابراین می‌توان به‌طور خلاصه عوامل تأثیرگذار در گرایش به ناسزاگویی را به‌طور خلاصه تقسیم‌بندی کرد که در جدول زیر قابل مشاهده هستند:

جدول شماره ۳: عوامل زمینه‌ساز ناسزاگویی

ردیف	موارد اصلی
۱	وضعیت سرمایه اقتصادی
۲	وضعیت سرمایه فرهنگی
۳	منازعه‌ی قدرت
۴	فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی

جوانان با بهره‌مندی از سرمایه‌های مختلف فرهنگی، عادت‌واره طبقه‌ای، پیدا می‌کنند که باعث تقویت یا تضعیف جهان‌بینی آنان می‌شود. همان‌گونه که در نتایج این تحقیق مشاهده شد افرادی که سرمایه فرهنگی پایینی دارند، جهان‌بینی آنان به دلیل فقر سرمایه فرهنگی، نسبت به جامعه، هویت گروهی، دینی، بدنی و منفی و یا خنثی است و از سوی دیگر، با پدید آمدن احساساتی چون: سردرگمی، ناامنی، ریسک‌پذیری، دارا نبودن الگوی مناسب، میل به نمایشگری، در آنان، در تعاملات خود دچار ناهنجاری شده که به اشکال مختلف مانند انواع خشونت‌ها به‌ویژه ناسزاگویی در گفتار بروز می‌یابد.

با توجه به دیدگاه جامعه‌شناسی زندگی روزمره، که به فعالیت‌های مکرر، یکنواخت، مستمر و موزون در مکان‌ها و زمان‌های مختلف که منجر به شکل‌گیری عادت‌واره‌ها و سبک‌های زندگی مختلف می‌شوند و کارکرد آنها بازتولید حیات اجتماعی و یا برعکس به چالش کشیدن آن است، می‌پردازد. می‌توان این نکته را مطرح نمود که، آنچه برای یک فرد یا گروه، امری عادی، معمولی و بدیهی محسوب می‌شود از سوی فرد یا گروه دیگری ممکن است، کاملاً غیرعادی بنظر برسد. در این صورت می‌توان گفت که زندگی روزمره با مقوله قدرت، سیاست و بازنمایی فرهنگی مرتبط می‌شود و اهمیت تاریخی پیدا می‌کند. یکی از مصادیق رفتارهای تکرار شونده، ناسزاگویی و بدزبانی است. البته معنای ناسزاها، با توجه به زمینه اجتماعی آن، متغیر است.

با الهام از مفاهیمی که بورديو مطرح نمود، می‌توان گفت که ذائقه‌ی کلامی به عنوان یک ابزار ارتباطی تحت تاثیر عوامل جاری در اجتماع، در حال دگرگونی پی‌درپی است، یعنی، هم منعکس‌کننده تغییرات اجتماعی است و هم به نوبه خود از این تغییرات تاثیر می‌پذیرد. در این میان ناسزا بسیار افشاگر است و محتوای آن، سیستم ارزش‌گذاری فرد را نمایان می‌سازد. همان‌طور که نتایج نشان دادند، ناسزا می‌تواند در قالب خرده‌فرهنگ، در خرده‌فرهنگ جوانان، بیشتر برای سرگرمی و قلدری که ناشی از بیکاری، تخلیه کردن عقده‌های سرکوب‌شده و عدم امکانات مناسب برای تخلیه انرژی هستند، به کار گرفته شود و می‌توان گفت بنیان عوامل مذکور بسیار با، وضعیت نامناسب خانواده‌ها از نظر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط است که در فرد درونی شده و به جامعه برمی‌گردد. در واقع هر نوع گفتار که گاهی از یک اخم یا چشم‌غره و تهدید، حرف‌های ناپسند و فحاشی تا رفتارهای خشونت‌بار جسمی و ضرب‌وجرح و ...؛ نشأت گرفته از عادت واره هر فردی است که در آن فضا رشد یافته است. از این‌رو عادت واره، هنجارها، قوانین و الگوهای درونی شده هستند که معرف هویت هر انسانی هستند. اگر فرد در زمان شکل‌گیری هویت دچار سردرگمی و آشفتگی شود، احساس انزوا، تهی بودن و طرد شدن به وی دست می‌دهد؛ و موجب درونی شدن عادت واره‌های منفی و خشونت‌آمیز در فرد می‌گردد؛

تا جایی که بیان جملات خشونت‌آمیز به صورت عادت در افراد، تبدیل به یکی از ویژگی‌های شخصی آنان می‌گردد.

جوانان از طریق ناسزاگویی هویت فرهنگی خود را ابراز می‌نمایند و نسل بزرگتر را غافلگیر می‌کنند. جوانانی که این گونه با همدیگر صحبت می‌کنند به نظر می‌رسد حس تعلق خود به فرهنگ ناسزاگویی را ابراز می‌دارند. احساس تعلق در میان اعضای هر گروهی دربرگیرنده یادگیری و کاربرد کدهای فرهنگی خاص خود است. آشنایی و کاربرد این کدها بیانگر عضویت آنها در یک گروه خاص است. تسلط بر یک سری کدهای پیچیده که تنها خودی‌های یک گروه از آن آگاهی دارند، نشان دهنده ویژگی به نام، خود ابرازی فرهنگی است. این تسلط بر کدهای فرهنگی درون گروهی به تعبیر سارا تورنتون نوعی سرمایه خرده فرهنگی^۱ محسوب می‌شود که باعث می‌شود، عضویت یک فرد در یک خرده فرهنگ از سوی اعضای همان گروه به رسمیت شناخته شود.

بنابراین تسلط یک فرد بر زبان خرده فرهنگی خود بخشی از سرمایه خرده فرهنگی او را تشکیل می‌دهد و می‌تواند موقعیت وی در گروه را تحکیم و تثبیت کند و نقش رهبری گروه را نیز از آن او کند. از این کدها برای کنارگذاری یا طرد غریبه‌ها یا غیرخودی‌ها هم استفاده می‌شود. این کدها معمولاً به شکل زبان مخفی^۲ ابراز می‌شوند و در یک خرده فرهنگ خاص رواج می‌یابند و همچون یک سپر عمل می‌کنند و جواز ورود به یک گروه خرده فرهنگی محسوب می‌شوند. همزمان با افزایش تاثیر گروه همسالان، تاثیر والدین کاهش می‌یابد، تاثیر گروه همسالان بر روی فرد ممکن است موجب شود تا برای پذیرش فرد در گروه همسال خود، ارزش‌هایی را بپذیرد که از نظر جامعه مورد پذیرش نباشد، بنابراین به نظر می‌رسد فرآیند جامعه پذیری نقش مهمی در گرایش افراد به ناسزاگویی داشته باشد.

در برخی از اوقات نیز، ناسزاگویی نوعی نا فرمانی کارناوالی است. در چنین شرایطی افراد از زبان و بدن به عنوان دو جایگاه اصلی برای کارناوالی کردن فرهنگ استفاده می‌کنند. با این تعبیر، به نظر می‌رسد، ناسزاگویی با بر هم زدن قواعد نظم و هنجارهای اجتماعی، فرصتی را برای رهایی از چهارچوب گفتمان مسلط جامعه فراهم می‌آورد. این نوع گفتار، با تمرکز بر لذت کارناوالی، فضایی خرده فرهنگی را بوجود می‌آورد که لذت را نه در چهارچوب نظم حاکم، بلکه در بر هم زدن این نظم و به شوخی گرفتن آن، می‌جوید. (شهبابی، ۱۳۹۳).

در گذشته‌های دور، پیش از دسترسی بیشتر افراد جامعه به رسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون، در هر منطقه ناسزاگویی الگوهای خاص خود را داشت، اما با ورود رسانه‌های جدید و مجازی، بر سرعت انتشار و فراگیری الگوهای ناسزاگویی، و تشکیل گروه‌های شبکه‌ای در این زمینه،

1. Subcultural capital

2. Argot

افزوده شد. هنگامی که افراد در یک رابطه نابرابر قدرت قرار بگیرند و طرف فرودست از سوی طرف فرادست مورد تحقیر واقع شود طرف فرودست چاره‌ای جز توسل به همین زبان ندارد. در واقع کار دیگری نمی‌تواند بکند. در چنین شرایطی وقتی امکان کنش تلافی جویانه وجود نداشته باشد، افراد سعی می‌کنند واکنش خود را به صورت منفعلانه و از طریق نفرین و لعنت نشان دهند. همچنین اگر فراتر از ارتباطات بین فردی به کنش ناسزاگویی توجه شود صمیمیتی که در مباحث قبل از آن صحبت شد، ممکن است در سطح بالاتری از انتزاع به مقاومت نشانه شناختی، قابل تعبیر باشد. یعنی در چنین سطحی، ناسزاگویی بخشی از مقاومت خرده فرهنگ جوانان محسوب می‌شود که از طریق نحوه استفاده از زبان، عناصری از فرهنگ رسمی را مورد بی‌اعتنایی و یا به نوعی دهن کجی قرار می‌دهد. بنا براین، ناسزاگویی با توجه به زمینه اجتماعی آن، ممکن است مصداق صمیمیت، خشونت و یا مقاومت باشد.

به نظر می‌رسد، در تدوین برنامه‌های توسعه اجتماعی- فرهنگی برای جامعه و طراحی واکنش مناسب نسبت به ناسزاگویی به عنوان پدیده‌ای بازدارنده در برابر توسعه اجتماعی- فرهنگی، در کنار آموزش‌های شهروندی باید به مهارت‌های ارتباطی هم توجه کرد مهارت‌هایی نظیر: ادب و نزاکت و دیگر مصادیق سرمایه فرهنگی را می‌توان به نسل جدید با شیوه‌های مناسب منتقل کرد. نقش خانه و مدرسه در این زمینه بسیار مهم است. احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری و الگوی شخصیت اجتماعی متعادل، می‌تواند آموزش داده شود. در مقابل، می‌توان نسبت به وقوع خطرات این نوع ناسزاگویی‌ها و پیامدهای بازدارنده توسعه اجتماعی- فرهنگی آن نظیر: انواع درگیری‌ها و نزاع‌ها و حتی قتل نیز هشدار داد. نهایتاً اینکه توسعه اجتماعی منجر به توسعه فرهنگی می‌گردد و موجب خلق ابداعات و توسعه اقتصادی شده و به نوبه خود پایداری نهادی و اعتماد را در سطوح جامعه، افزایش می‌دهد.

منابع

- استیون اف، مسنر؛ روزنفلد، ریچارد (۱۳۹۲)، *نظریه‌ی آنومی نهادی: تبیین جامعه‌شناختی کلان جرم*، ترجمه علی موسی نژاد، پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر، شماره ۳، ۱۹۲-۱۶۵.
- افشار کهن، جواد، (۱۳۸۸) *گونه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان ایران با تاکید بر وضعیت دختران*، فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- بارکر، کرین (۱۳۹۱)، *مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد*، ترجمه: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پیربوردیو*، ترجمه لیلاجوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، انتشارات نی.
- خادمیان، طلیعه، (۱۳۸۸)، *سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان*، تهران: جهان کتاب.
- رجیلو، علی، علیخانی، زهرا (۱۳۹۴)، *بررسی جامعه‌شناختی گفتار در خرده فرهنگ جوانان*، مجله جامعه‌شناسی ایران دوره شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۹۴، ص ۱۰۶-۷۳.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، *درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی*، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، ص ۳۵-۷.
- روشندل اربطانی، طاهر؛ دادجو، سحر؛ نگین تاجی، فهیمه (۱۳۹۳)، *بازنمایی زندگی روزمره جوانان در شهر تهران «تحلیل فیلم های نیمه دوم دهه ۸۰»*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایرانی، شماره ۳، ص ۸۱-۴۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی کج‌روی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سهراب زاده، مهرا و منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۶)، *تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده*، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۲، ۲۶۴-۲۴۵.
- شویره، کریستی یین؛ فونتین، اولیویه؛ پی بیرزده، ژان (۱۳۸۵)، *واژگان بوردیو*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشر نی.
- شهبابی، محمود (۱۳۸۲)، *جهانی‌شدن؛ خرده‌فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی‌شدن*، علوم اجتماعی، مطالعات جوانان، شماره ۵، ۲-۲۲.
- شهبابی، محمود (۱۳۹۳)، *ناسزاگویی جوانان: صمیمیت یا خشونت؟ گفتگو با خبرگزاری مهر*، ۹۳/۱۲/۱۰.
- عبداللهی نژاد، علیرضا، مجلسی، نوشین (۱۳۹۷)، *خشونت کلامی در فضای مجازی؛ مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی*، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره ۱۳.

علمی، محمود؛ تیغ‌زن، خدیجه؛ باقری، ربابه (۱۳۸۷)، *تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه عجب‌شیر)*، شماره یک، ۴۲ - ۲۳.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، تهران، انتشارات صبح صادق.

فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، سیده نسترن (۱۳۹۲)، *توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان*، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۱: شماره ۲، ۱۵۹-۱۸۲.

فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹)، *اسلام و سرمایه اجتماعی: با تاکید بر رویکرد فرهنگی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فلیک، اووه، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

کریمی، فاطمه (۱۳۹۰)، *بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان*، پژوهشنامه حقوقی، سال دوم، شماره دوم، ۱۰۲-۸۵.

کنعانی، محمدمبین؛ عزیزخانی، اقباله؛ کلانتری، حوریه (۱۳۹۳)، *انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن‌ها با خشونت خانگی علیه زنان*، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۰۳ - ۸۸.

کوش، ذنی (۱۳۸۱)، *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*، ترجمه فریدون وحید، تهران، انتشارات سروش. کیخا، عالمه، شجاع‌الدینی، افسانه (۱۳۹۷)، *تحلیل ناسزاگویی در بین دانش‌آموزان*، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین.

کیوی، ریموند؛ کامپنهود، لوک وان، (۱۳۸۰)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات توتیا.

مردیها، سید مرتضی (۱۳۸۰)، *دفاع از عقلانیت: تقدم عقل بر دین*، سیاست و فرهنگ، تهران: انتشارات نقش و نگار.

ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، *بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در گلستان (علی‌آباد گنبد)*، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

مؤمنی، سعید (۱۳۸۸)، *مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به خشونت در شهر سرآبله*، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال.

میرکمالی، محمد (۱۳۶۹)، *رابطه فرهنگ با مقاومت در مقابل تغییر یا پذیرش آن*، مدیریت، مدیریت دولتی، شماره ۹، از ۸۱ - ۷۵.

میلنر، آندرو و براویت، جف (۱۳۸۵) «*درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*»، جمال محمدی، تهران، ققنوس، ص ۱۴.

- Almutlaq, Husein (2013), *A Sociolinguistic Study of Terms of Oaths in Jordanian Arabic*, International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 3 No. 21: 225-229.
- Aschaffenburg, Karen, and Ineke Mass,(1997),*Cultural and Educational Careers: The Dynamics of Social Reproduction*. American Sociological Review 62: 573 – 87.
- Bakhtin, M. (1984) *Rabelais and His World*, H. Isowolsky (trans.), Cambridge MA: MIT press.
- Bourdieu P., (1991) *Language and Symbolic Power*, Cambridge: Harvard University Press.
- Benesch, S.(2012). *Dangerous Speech: A Proposal to Prevent Group Violence*, World Policy Institute, New York, no. 2.
- Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction*. Translated by Richard Nice. London: Routledge.
- Bourdieu, Pierre & L. Wacquant. (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*, L. Wacquant (Trans). Cambridge; p [Originally published as Reponses; pour uneanthroplogiereflexive (paris: Seuil)
- Bourdieu, P. (2003). *Participant objectivation*. Journal of Royal Anthropological Institute, 9, 281-294.
- Calvert, Clay (1997). *"Hate Speech and its Harms: A Communication Theory Perspective"* (PDF). Journal of Communication 47: 4–19. doi:10.1111/j.1460-2466.1997.tb02690.x. Retrieved October 9, 2014.
- Castells, M. (1998). *"Information Technology, Globalization and Social Development"*, Geneva: NRISD conference on Information Technologies and Social Development (Geneva, June 1998).
- Chon A. Noriega, PhD, and Francisco Javier Iribarren, MSW-PsyD, (2009), *HATE SPEECH IN THE MEDIA*, UCLA Chicano Studies Research Center.
- Crossley, N. (2001). *The phenomenological habitus and its construction*. Theory and Society, 30(1), 81-120 .
- Desmond , John . Pierre McDonagh . Stephanie O'Donohoe (2000), *Counter-Culture and Consumer Society. Consumption, Markets and Culture* Volume 4, Number 3, 207-343.
- Fiske, J.(1989). *Understanding Popular Culture*. London and New York: Routledge.
- Ghanea Nazila (2012), *The Concept of Racist Hate Speech and its Evolution over time*, Paper presented at the United Nations Committee on the Elimination of Racial Discrimination's day of thematic discussion on Racist Hate Speech 81st session, 28 August 2012, Geneva.
- Gonzales, Estrella Marie & Wiseman, Richard L.(2005), *Ethnic Identification and the Perceived Humor and Rudeness of Ethnic Jokes, Intercultural Communication Studies XIV: 2.*
- Johnson, D. I., & Lewis, N. (2010). *Perceptions of swearing in the work setting: An expectancy violations theory perspective*. Communication Reports, 23(2), 106-118.

- Korostelina, K. (2014). Intergroup Identity Insults: *A Social Identity Theory Perspective*. *Identity*, 14(3), 214-229.
- Lenkova, M. (editor), "*Hate Speech in Balkans*", The International Helsinki Federation for Human Rights (IHF), 1998: <http://www.greekhelsinki.gr/pdf/hatespeech.pdf>.
- LILLIAN DONNA L. (2007), *A thorn by any other name: sexist discourse as hate speech*, das.sagepub.com/content/18/6/719.full.pdf, - Cited by 19 - Related articles, 10.1177/0957926507082193. A th www.sagepublications.com. Vol 18(6): 719-740. Orn.
- Maton, K. (2008). Habitus. In M. Grenfell (Ed.), *Pierre Bourdieu: Key concepts*. UK: Acumen.
- Mobashshernia Reza, Maryam Shariatzadeh Langrudi, Jafar Ghasemi (2012). *Investigation of the Effect of Linguistic, Psychological and Social Factors on the Use of Swearwords by University Students*, J. Basic. Appl. Sci. Res., 2(8)8209-8213.
- Nockleby John T.(2000), "*Hate Speech*," in Encyclopedia of the American Constitution, ed. Leonard W. Levy and Kenneth L. arst, vol. 3. (2nd ed.), Detroit: Macmillan Reference US, pp. 1277-1279.
- Putnam, R.D. (1993) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton University Press, Princeton, NJ. 2-8.
- Rassin, E., & Muris, P. (2005). *Why do women swear? An exploration of reasons for and perceived efficacy of swearing in Dutch female students*. *Personality and Individual Differences*, 38(7), 1669-1674.
- Simpson, E., Duarte, J., & Bishop, B. (2016). *When Moms Say Bad Words: Family and Peer Influence on the Frequency of Swearing*. University of Central Florida Undergraduate Research Journal, 8(2).
- Sullivan MJ , Thorn B, Haythornthwaite JA, Keefe F, Martin M, Bradley LA, Lefebvre JC.(2001) , *Theoretical perspectives on the relation between catastrophizing and pain* , Clin J Pain.;17(1):52-64.
- Swartz David (1997), *Culture and Power, The Sociology of Pierre Bourdieu*, 342 pages | 1 line drawing, 1 table | 6 x 9 |.
- Szucs. A, Moreau. S, Allard. F. (2009) *Aspects of stadium design for warm climates*. Building and Environment, 44, 1206-1214.
- Tian, F. H. N. (2014). *The use of english swear words among chinese youths*/Tian Huey Ni Fanny. University of Malaya.
- Vingerhoets, A. J., Bylsma, L. M., & De Vlam, C. (2013). *Swearing: a biopsychosocial perspective*. *Psihologijske teme*, 22(2), 287-304.
- Volkova, N. Silvestri, M. Lopez, S.(2015), *Hate Speech against Muslim Women: The Example of French and Belgian Francophone Media*, American International Journal of Social Scienc, Vol. 4, No. 5; October .